

نگاهی بر شکوفایی ارزشها در فرهنگ بسیجی (۱)

حسینعلی قبادی

روزهای آغازین جنگ را بیاد می آوریم که عده‌ای پیر روشن ضمیر، ما را دعوت به آتش بس می نمودند و امام خمینی (ره) را از ایستادگی بر حذر می داشتند. آنانی که منطق انقلاب را در نیافته به تبع تبلیغات آمریکایی جدایی دین از سیاست فرصت فهم عرفان و حماسه و توکل را نداشتند و می پنداشتند که توکل، بی ارادگی و بی تحرکی و بیکاری و دست روی دست گذاشتن است و چاره‌ای جز آتش بس و چشم‌پوشی از خاک میهن اسلامی تن دادن به تجاوز نیست. اما روح حماسی و قدرت عرفان موجود در عالم وجود امام (ره) و رزمندگان اسلام منطق دیگری را به منصفه ظهور رسانید، مقاومت ملت ما نظر دیگری را به تصویر کشید و اینجا بود که فرهنگ آفرینی بسیجی و شکوفایی ارزشها مطرح شد و دفاعی شکل گرفت که انصافاً جز واژه مقدس مفهوم دیگری زینده آن نخواهد بود.

دلیل رویش فرهنگ بسیجی به نظر نگارنده آمیزه پیوند به ظاهر متضاد و ناهمخوان حماسه و عرفان است. در منطق اسلام ایفای وظیفه و رسالت و التزام به تعهد اصل است، بنابراین خوف از انجام و پایان کار راهی ندارد. امام راحل (ره) مکرر از ابتدای جنگ این ندا را سر داده بودند، این رمز و راز برتری رزمندگان اسلام بوده و هست، آنان اعمال خود را در ترازوی خداوند می سنجند. برای دلاوران ما لقاء... مقصد و منظور بود که این جنگ راه میانبرتری را برای دیدار معشوق در پیش پای آنان نهاده بود. اما آن لقاء الهی که در رزمگاه میدان «مین» مخفی و مبین مبارزه با دشمن درون و بیرون را یکجا می آغازید در منطق بسیجی آرمان و انگیزه رزمندگان صرفاً دفع تجاوز و یا خاموش کردن فتنه صدام نبود بلکه به تعبیر و استراتژی آن

بزرگ سردار جهان معاصر جنگ تاریخ فتنه در جهان بوده است .

عوامل فرهنگ زایی در نگرش بسیجیان

۱- نگرش عاشورایی: عشق به سالار شهیدان به عنوان یک فرهنگ و بنیان بود نه یک احساس و عاطفه زودگذر. اگر چه محتوی مقالات، خطابه‌ها، رهنمودها، داستانها، بیانه‌ها، سرودها و محتوای مراسم استقبالها، تشییع جنازه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، آداب و سلوک و شعارها و غیره را با قاطعیت می‌توان گفت علی‌الاکثر روح عاشورایی در آنها دمیده شده است اما این یک تحول و چرخش ناگهانی و بالطبع زودگذر و بی‌دوام نیست، این شعار اصولی انقلاب ما و دفاع مقدس و شعار امام (ره) بود: شعار پیروزی خون بر شمشیر و اصلاً علت تقدس دفاع ما همین عاشورایی اندیشیدن بود.

۲- فرماندهی: امام خمینی (ره) به معنای دقیق کلمه شخصیتی بود که میتوان آن حضرت را عصاره فرهنگ و خلاصه و چکیده، بازمانده و یادگار ۱۴۰۰ سال فضائل، عرفان، اندیشه، رسالت و روح حماسی و پیام الهی اسلام دانست . او شخصیت جامع‌الاضدادی بود که در اوج حماسه آفرینی و ترغیب لشکر اسلام به نبرد بی‌نظیر با دشمن متجاوز، پیروان و سربازان خود را همیشه سفارش به خداپرستی و کف نفس و خودسازی و خوش رفتاری و جوانمردی حتی در برخورد با دشمن و ترحم پس از اسارت آنان مینمود. او در نهایت قدرت اتکال و اعتماد به خدا و اتصال به حق بود، عارف کامل بی‌تعلقی بود که به دلیل وارستگی از نفس و دنیا قدرتش ماورای همه خلق جهان بود و خواب راحت را از چشم شیطان صفتان استعمارگر عصر ما ربوده بود .

۳- سرداری مستضعفان و پشتوانه مردمی: دفاع در این جنگ که دفاع از تمامیت انقلاب اسلامی بود پیوندی ناگسستنی بین حاکمیت سرداری و پیشسازی مستضعفان با تداوم ارزشها و آرمانها و سرمایه‌های انقلاب برقرار نمود. اینجاست که صاحبان این انقلاب یعنی صاحبان ارزشهای الهی که همان مستضعفان بوده‌اند

به عنوان اصلی ترین مرزداران و مدافعان انقلاب در سراسر جبهه های جنوب غرب واقع می شوند. هر چه جنگ سخت تر و نبرد رویاروتر می شد. جانبازی مستضعفان و بهانه تراشی و زاهد نمایی با بزدلی و زیر در رویی طفره رفتن مرفهان و مستکبران فزونی می یافت. حضور بی نظیر توده های مردم مستضعف و دشمنان مستکبران مفتخور پشتوانه عظیم الهی و ظهور دست قدرت الهی بوده و این بسیج مردمی را به همراه داشته است.

۴- پیوند فرهنگ بسیجی با عدالت طلبی: عدالت طلبی به معنی عام نظریه فداکاری بسیجیان مستضعف تأکید حضرت امام (ره) بر ترویج عدالت اجتماعی و احقاق حق فداکاران و شهید داده هاست. اصلاً حماسه و عرفان، جلوئه، ظهور انعکاس مبارزه عدالت طلبانه و عدالت اجتماعی است. بدون عدالت خواهی حماسه جز تجاوز و وحشیگری چه معنایی دیگر خواهد داشت.

۵- اسوه ها و اسوه گرایی: در دامن جنگ تحمیلی اسوه های سترگ و کم نظیری بوجود آمده اند که تاریخ بشر کمتر چنین چهره هایی را به خود دیده است. اینان تسری وجود حضرت امام (ره) در میان رزمندگان بودند رایحه دل انگیز اخلاق و عدالت طلبی و عرفان و حماسه خمینی کبیر (ره) را گویی آنان به جان رزمندگان خطوط مقدم نبرد منتقل میکردند. بسیجیان و رزمندگان با وجود اینان، آرامش می یافتند. بسیجی عاشق و عارفی چون دکتر چمران که به جرأت می توان گفت که بعد از صدر اسلام و قبل از دفاع مقدس کمتر سردار بزرگ و صادق و فاتح قلبها و مسخر صخره ها چون او می توان یافت و چه کوهها که در زیر پای او گاه نشد و چه قله ها که پیش نخل بلند او زانو نزد یا حماسه آفرینانی چون شهید همت، شهید علی عاصمی شهید کاوه، شهید زین الدین، شیرودی، خرازی، علم الهدی و ... یک معیار حقیقت و اسوه گویای دفاع مقدس بود.

همسویی اسطوره و عرفان و حماسه و عدالت خواهی در فرهنگ بسیجی در ادبیات ملل با فرهنگ تر، هماهنگی و همسویی اسطوره و عرفان و حماسه

چشم انداز و درخشش بیشتری را داراست. رابطه‌ای مستقیم بین غنای فرهنگ اقوام با هماهنگی و همدلی عرفان و حماسه و اسطوره جدید دارد. اما آن ویژگی منحصر بفردی که در فرهنگ بسیجی ظهور نموده است. علاوه بر پیوند عرفان و حماسه در مرحله ذهن پیوند و اتصال با عینیت خارجی آن یعنی پیوند این دو عنصر با عدالت اجتماعی و روح عدالت خواهی بطور همه جانبه و هم زمان بود که پیش از همه جا در بیان و بنام و قلم و زبان حضرت امام (ره) تبلور تجلی یافته است. مبارزه اسلام با زراندوزان بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود و صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولویتی بر آنان تعلق نخواهد گرفت. امام خمینی (ره).

در دنیای معاصر شخصیت پر صلابت و چند بعدی حضرت امام (ره) که سرمایه او فقط اتکال به خداوند و سرمشق قرار دادن معصومین (ع) بود آئینه تمام نمایی برای اثبات تئوری پیوند و تلفیق حماسه و عرفان و سیاست و دیانت و نزاع میان دنیا و آخرت بوده است.

جلوه‌های پیوند و وحدت حماسه و عرفان و عدالت خواهی در فرهنگ بسیجی :
 در فرهنگ حماسی دفاع مقدس نهادها و واژگان اسطوره‌ای و حماسی و عرفانی با هم پیوند می‌خورند. در حالیکه در اشعار خانقاهی جان باختن و مرگ، باخت و تراژدی است اما در منطق رزمندگان جان باختن به هدف و وصال رسیدن و بردن است و این حماسه، حماسه‌هاست و این وقتی است که جوهر عرفان یعنی عنصری که مرگ راهی بدان ندارد بداد مرگ برسد. عارف صافی باقی شدن، هدف و علت ناآرامی دریای وجود قهرمان حماسی بسیجی و اوج و شکوه اوست. حل مسأله مرگ در حماسه دفاع مقدس در پرتو منطق و فرهنگ شهادت یعنی رمز جاودانه بقاء در فرهنگ اسلام است.